



برای اجتهاد در زمان معاصر باید به پنج عامل توجه کنید

حجت الاسلام محمد محمدی قائینی ضمن اشاره به عوامل ضروری اجتهاد معاصر تصریح کرد: یکی از نکاتی که در فقه معاصر باید مد نظر قرار گیرد دخالت عقل در کشف حکم است.

حجت الاسلام محمد محمدی قائینی ضمن اشاره به عوامل ضروری اجتهاد معاصر تصریح کرد: یکی از نکاتی که در فقه معاصر باید مد نظر قرار گیرد دخالت عقل در کشف حکم است. ما احکام را فقط از کتاب و سنت درمی آوریم در حالی که احکام عقلی هم دخالت دارد و عقل یکی از منابع ما است.

به گزارش ایکننا، نشست «بازخوانی عناصر اجتهاد با تاکید بر فقه معاصر» امروز ۱۸ مرداد با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین محمد محمدی قائینی، استاد حوزه علمیه در موسسه آموزش عالی حوزوی امام رضا(ع) برگزار شد که گزیده آن را در ادامه می خوانید؛

در فقه معاصر توجه به چند مسئله ضرورت دارد؛ مسئله اول مقاصد شریعت است. شریعت اسلام مقاصدی دارد و احکام باید بر اساس آن مقاصد تنظیم شود. تقسیم بندی هایی هم برای مقاصد شریعت بیان شده است. به عنوان مثال مقاصد جعل احکام یا دنیوی است یا اخروی، یا مقاصد حقیقی است یا عرفی؛ مثلا برخی مقاصد صرف اعتبار است ولی برخی حقیقی است یعنی انجام دهید تحولی در خارج انجام می شود ولو شما متوجه نشوید. برخی مقاصد ابتدایی هستند ولی برخی نهایی هستند، مقصد ابتدایی را باید فدای مقصد نهایی کرد. برخی مقاصد معتبرند، برخی غیر معتبر. باید از کجا تشخیص دهیم مقصد واقعی کدام است، ابزارهایی برای این کار وجود دارد. یک تقسیم دیگر عقلی و نقلی است. محدوده مقصود چیزی است که عقل می فهمد یا آنچه نقل بیان کرده است.

علت وجود مقاصد در دین اسلام این است که در خیلی از آیات قرآن لام تعلیل یا لعل داریم مثل آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند» (آیه ۲۵ حدید) یا آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که پاک و پرهیزکار شوید» (آیه ۱۸۳ بقره) یا آیه «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ؛ ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید» (آیه ۱۷۹ بقره) که بیانگر اهداف احکام شرعی است.

دخالت زمان و مکان در احکام شرعی

مورد بعد که در اجتهاد باید مورد نظر قرار گیرد زمان و مکان است. زمان و مکان در صدور احکام دخالت دارد. در یک زمان شما حال دارید نافله بخوانید مستحب است بخوانید، یک زمان حال ندارید مکروه است نافله بخوانید. پس زمان و مکان اثر دارد، هم در فرد اثر دارد، هم در جامعه. زمان و مکان امور حقیقی و خارجی هستند. در رابطه با مسائل فقهی یقینا در فتواها دخالت دارند هم در موضوع دخالت دارند مثلا مکلف احکام دارد آدم غیر مکلف احکام ندارد، شما قبل از ۱۵ سالگی تکلیف ندارید بعدش تکلیف دارید. پس زمان در موضوع اثر دارد. در متعلق حکم هم اثر دارد مثلا دفاع واجب است ولی جهاد ابتدایی واجب نیست. به حسب حکم صغیر حکمی دارد، کبیر حکم دیگری دارد. به حسب ملاک، سفر و حضر احکام متفاوت دارد، در امتثال، عجز و قدرت در احکام تاثیر دارد لذا زمان و مکان در پنج مرحله در احکام دخالت دارد.

سومین نکته که در فقه معاصر باید مد نظر قرار گیرد دخالت عقل در کشف حکم است. ما احکام را فقط از کتاب و سنت درمی آوریم در حالی که عقل هم دخالت دارد و عقل یکی از منابع ما است. درباره اینکه عقل ارزش دارد و می تواند قانونگذار باشد و تمام سعادت ما به عقل گره خورده چند آیه می خوانم: «مسلمنا در این [امور] برای مردمی که تعقل می کنند نشانه هاست.» (آیه ۱۲ نحل) این آیات نشان می دهد کسی دین را می فهمد که عقل داشته باشد. در روایات هم تاکید زیادی بر عقل شده از جمله روایت امام کاظم(ع) که عقل را حجت باطنی خداوند معرفی می کند و می فرماید عقل مانند پیامبر(ص) حجت است و خدا با همین عقل ما را محاکمه خواهد کرد پس عقل یقینا در اثبات احکام شرعی دخالت دارد لذا هیچ کسی در حجیت اصل عقل تشکیک نکرده است و اختلاف در محدوده حجیت عقل است.

اینکه عقلی که می خواهیم احکام شرعی را اثبات کنیم کدام عقل است باید بحث شود ولی مجموعا عقل در سه جا دخالت دارد؛ یکی قاعده ملازمه یعنی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع». دوم در مقام استدلال یعنی جایی که قیاس می آوریم، سوم در باب استلزام که گاهی عقل از ملزوم به لازم پی می برد مثلا می گویند مقدمه واجب، واجب است یا امر به شیئی نهی از

ضد می کند یا نهی از شی دال بر فساد منهی عنه است. کل محدوده تصرف عقل در این سه مورد است. تمام احکام بر اساس مصالح و مفسد است

چهارمین نکته که در رابطه با فقه معاصر باید رعایت شود رعایت مصلحت و مفسده در احکام فعلیه است. تمام احکام بر اساس مصالح و مفسد است و ما اعتبار صرف نداریم. از امام رضا(ع) روایت داریم خدا هیچ چیز را واجب نکرد مگر به خاطر مصلحتی که داشت و هیچ چیز را حرام نکرد مگر به خاطر مفسده ای که داشت. پس هر حکم واجبی مصلحتی دارد و هر حکم حرامی مفسده ای دارد که ما باید آن را کشف کنیم. اینکه احکام تابع مصالح و مفسد هستند را هم اشعری قبول دارد، هم معتزلی و هم امامیه. اینکه می گویند اشاعره قبول ندارند درست نیست چون آنها مصلحت و مفسده را در متعلق حکم قبول ندارند و می گویند مصلحت در جعل حکم است ولی امامیه می گوید گاهی در متعلق است گاهی در جعل. پس آنها هم معتقدند هر جا حکمی صادر شده حتما مصلحتی بوده است ولی می گویند لازم نیست در متعلق مصلحتی باشد. پس همه قبول دارند احکام تابع مصالح و مفسد است. ما باید مصالح و مفسد را تشخیص دهیم.

پنجمین نکته که باید در رابطه با فقه معاصر رعایت شود هویت جامعه است. جامعه واقعیت دارد، وجود خارجی دارد ولو وجود انتزاعی. هم جامعه بر فرد تاثیر دارد، هم فرد بر جامعه. تاثیر جامعه بر فرد چیست؟ این مسئله انوعی دارد از جمله تاثیر محیط خارجی بر فرد کما اینکه گفتند الناس علی دین ملوکهم. از آن طرف فرد بر جامعه تاثیر داد کما اینکه پیامبران یک فرد بودند ولی جامعه خود را متحول می کردند. در خیلی از آیات قرآن و روایات احکام خطاب به جامعه است. مثلا گفته شده حکومت چنین وظیفه ای دارد یا اداره جامعه باید اینگونه باشد.

ما باید فقهی را بخوانیم که بر اساس حکومت و اجتماع باشد که در ضمن آن احکام فردی را هم بیاموزیم و الا اگر فقه حکومتی نداشته باشیم بسیاری از احکام تعطیل است و احکام وابسته به آنها هم قابل اجرا نیست مثلا اگر جامعه فاسد باشد شما نمی توانید فرزند خودتان را سالم نگه دارید.